

دکتر محمدجعفر حبیب‌زاده*

حسن فرهودی‌نیا**

اعمال مقدماتی در حقوق کیفری ایران

چکیده:

عموماً اجرای رفتارهای آدمی خلق الساعه و ابتدا به سکون صورت نمی‌گیرد بلکه اجرای رفتار ابتدا در ذهن بشر نقش می‌بندد و چنانچه شخص، مصمم به انجام آن گردد مقدمات اجرای آن را فراهم می‌کند و در نهایت با آغاز عملیات اجرایی، رفتار مورد نظر را نمود خارجی و عینی می‌بخشد. جرم نیز به عنوان یک رفتار بشری از این قاعده مستثنی نیست، اما آیا تمامی این مراحل قابل تعقیب‌اند یا حقوق جزا از مرحله و زمان مشخصی حق مداخله و تعقیب مرتکب را دارد؟ به اجمال می‌توان گفت که اصولاً زمان

* عضو هیأت علمی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

** دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

مداخله حقوق جزا پس از شروع به عملیات اجرایی است و مراحل قبلی از حیطة عمل نظام جزایی خارج است.

از این رو غیر قابل مجازات بودن مرحله تهیة مقدمات یا انجام اعمال مقدماتی جز در موارد استثنایی در کلیة نظامهای کیفری به عنوان یک قاعده و اصل پذیرفته شده است.

تصبره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ متضمن این قاعده در نظام جزای کشور ماست. لیکن ظاهر ماده ۶۶۴ قانون موصوف، با قاعده و اصل مزبور مغایرت دارد.

در این مقاله تلاش شده است ضمن تبیین اعمال مقدماتی و ویژگیهای آن و تئوریهای موجود در این زمینه، احکام مواد قانونی یاد شده از جهت وجود تعارض احتمالی میان آنها و یا عدم آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته، اعلام شود که علی رغم وجود تعارض ظاهری در مواد قانونی مربوط، اعمال مقدماتی در نظام کیفری ایران قابل مجازات نیست.

واژه‌های کلیدی:

عمل مقدماتی، عمل اجرایی، جرم، مجازات، شروع به جرم

مقدمه:

پدیده جرم همانند سایر پدیده‌ها ابتدا به ساکن و یکباره واقع نمی‌شود، بلکه از لحظه تکوین ذهنی تا تحقق خارجی مسیری را طی می‌کند و مواضعی را پشت سر می‌نهد که علمای حقوق جزا از آن مسیر - که از مواضع و

مراحل مختلف تشکیل می‌شود - به عنوان «مسیر جنایت یا جرم»^۱ یاد می‌کنند. یکی از این مراحل، مرحله تصویر جرم و تصمیم بر ارتکاب آن است؛ در این مرحله که بعضی از صاحب‌نظران آن را جرم ذهنی (Délit Intellectuel) نامیده‌اند^۲، تصویر جرم در آینه ذهن مرتکب، نقش می‌بندد که حسب مورد ممکن است این نقش آفرینی شخص را به ارتکاب جرم مصمم کند.

مرحله بعدی، مرحله تهیه مقدمات است؛ در این مرحله مرتکب، آلات و ادوات جرم را تهیه و تدارک می‌بیند، به عبارت دیگر اندیشه جرم و تصمیم بر ارتکاب آن از ضمیر و درون شخص به خارج و بیرون انتقال می‌یابد و لاجرم فاعل، در صدد تهیه و تدارک مقدمات لازم برای ارتکاب جرم برمی‌آید. مثلاً به قصد سرقت، کلید تهیه می‌کند و یا سلاح می‌خرد و...^۳ بزهکار در این مرحله هنوز به مقام اجرا گام نهاده است.

شروع به عملیات اجرایی، مرحله دیگر مسیر مجرمانه را تشکیل می‌دهد. فاعل زمانی به این مرحله گام می‌گذارد که دست به ارتکاب اعمالی بزند که با فاصله اندک و مستقیماً به وقوع جرم مورد نظر منتهی می‌شوند و چنانکه این مرحله با مانعی مواجه نشود، جرم تامّ پدید می‌آید و در صورتی که به یکی از جهات، نتیجه مورد نظر حاصل نگردد، حسب مورد با مفاهیم شروع به جرم، جرم عقیم و یا محال، مواجه خواهیم شد.

از میان مراحل یاد شده، مرحله تصویر جرم و تصمیم به ارتکاب آن در قلمرو حقوق جزا قرار نمی‌گیرد؛ اگر چه میان تصویر جرم و تصمیم بر ارتکاب آن تفاوت وجود دارد؛ زیرا تصویر جرم ذاتاً قابل ملامت نیست چون انسان نمی‌تواند بر ادراکات و تصاویری که در آینه ذهنش نقش می‌بندد، تسلط

داشته باشد؛ اما تصمیم بر ارتکاب جرم چون قائم بر اراده شخص است، با اینکه خلاف موازین اخلاقی تلقی می‌شود^۴، مع الوصف خارج از دایره شمول حقوق کیفری قرار می‌گیرد؛ زیرا فکر مجرمانه تا زمانی که با یک عمل مادی بروز و نمود خارجی پیدا نکند، قابل مجازات نیست. گذشته از آنکه اگر مقررات کیفری این محدوده را نیز در قلمرو قانونگذاری و نظارت قرار دهد، لازمه‌اش مداخله در ضمائر اشخاص خواهد بود که مستلزم «تفحصات و تجسسات غیرقابل اغماض» است^۵.

لازم به یادآوری است که گاهی علم و اطلاع از وجود یک تصمیم و قصد ارتکاب جنایت، (خواه به وسیله اقرار و اعتراف شخصی و یا از طریق اعلان آن فکر به دیگران) ممکن است باعث آشوب اجتماعی گردد، اما وظیفه پلیس و نیروی انتظامی است که از تحقق آن فکر جلوگیری کند و دستگاه قضایی نمی‌تواند و نباید تکوین آن فکر را کیفر دهد^۶. تبصره ۱ ذیل ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مضمون ۱۳۷۰ صراحت دارد به اینکه مجرّد قصد ارتکاب جرم، فاقد مجازات است.

پس از آنکه فکر ارتکاب جرم در ذهن مجرم متمرکز شد و او به ارتکاب آن مصمم گشت، قصد خود را با یک سلسله اعمال خارجی مادی به مرحله ظهور می‌رساند. برخی از این اعمال با عنوان عملیات اجرایی (Commencement d'exécution) شناخته شده، قابل مجازات اند* و دسته دیگر

* - عمل اجرایی عبارت است از: اقدام فاعل به انجام یک سلسله افعال محسوس و ملموس با این شایستگی و قابلیت که اگر تمام و کمال انجام پذیرند به پیدایش کامل جرم مورد نظر منتهی خواهند شد.

تحت عنوان اعمال مقدماتی یا تدارکاتی جرم، مورد بحث قرار می‌گیرند که موضوع اصلی این مقاله بررسی همین عنوان، تفاوت آن با عملیات اجرایی، قابل مجازات و یا غیر قابل مجازات بودن آن و موضع مقنن ایران در همین رابطه است.

بحث و بررسی

۱- تعریف عمل مقدماتی

نه تنها قانون مجازات اسلامی ایران بلکه قوانین تجزایی سایر کشورها از جمله فرانسه، مصر و سوریه نیز عمل مقدماتی را تعریف نکرده‌اند^۷ از این رو شارحان حقوق جزا براساس تئوریهای مورد قبول خود، هر کدام به نحوی آن را تعریف کرده‌اند. به عقیده برخی از صاحب نظران «اعمال مقدماتی عبارت از اعمال خارجی است که ظاهر است و ابدأ جنبه نهایی ندارد ولی ابهام آمیز می‌باشد و بنفسه نمی‌تواند قصد مرتکب را به وضوح معلوم سازد و همین خصیصه غیر مشخص و غیر معلوم بودن آن موجب تمیز آن از شروع به اجرا می‌گردد»^۸.

برابر دیدگاه دیگر «اعمال مقدماتی، افعالی هستند که در مرحله اجزایی جرم مورد نظر، مداخله نداشتند و در ذرون و ضمیر مرتکب به این جرم پیوسته و متصل بوده، به تدارک اجرای آن منتهی می‌شوند. مانند خریدن سم و مواد آتش زائ برای مسموم ساختن و ایجاد حریق»^۹.

بنابر یک دیدگاه دیگر «مقصود از اعمال مقدماتی، هر اقدامی است که مجرم به کمک آن، وسیله ارتکاب جرم را تدارک می‌بیند و به دست می‌آورد، مانند خریدن اسلحه یا تهیه کلید گاوصندوق» همچنین «هر عملی که مجرم را

در موقعیتی قرار دهد که امکان اجرای جرم برای وی فراهم شود، عمل مقدماتی به شمار می‌آید، مانند نقطه توقف و ایستادن مجرم در داخل اتوبوس به منظور سرقت از جیب مسافران، یا قدم زدن در مسیری که به محل سکونت مجنی علیه می‌گردد»^{۱۰}.

شاید بتوان دشواری پیشنهاد تعریف کاملی از عمل مقدماتی و اشکالات احتمالی ناشی از آن را، دلیل اصلی پرهیز و امتناع قانونگذاران از طرح آن به شمار آورد. زیرا در مواردی که عمل ارتكابی در ارتباط با فاعل آن، تاب تفسیرها و تلقی‌های متفاوت را دارد (یعنی ممکن است اقدام واحدی را در ارتباط با فردی عمل مقدماتی - که مجازات ندارد - و در رابطه با فرد دیگری، عمل اجرایی - که قابل مجازات است - تفسیر و تعبیر نمود) در صورت وجود تعریف قانونی با مشکل اجرایی مواجه شده، ناچار بودیم که درباره هر دو فرد یاد شده اقدام موردنظر را عمل مقدماتی محسوب و از مجازات معاف بدانیم. به عنوان مثال، در خصوص کسی که برای بار اول دستگیر شده، تهیه طناب، عمل مقدماتی جرم سرقت به حساب می‌آید، اما همین عمل برای کسی که سابقه تکرار جرم سرقت دارد، ممکن است عمل اجرایی محسوب شود و اگر مقنن تهیه طناب را به عنوان عمل مقدماتی تعریف می‌کرد در خصوص فرد اخیر نیز باید آن را عمل مقدماتی و غیرقابل مجازات می‌دانستیم که چنین نتیجه‌ای برخلاف عدالت کیفری است.^{۱۱}

از این رو پرهیز مقنن از بیان تعریف واحد از عمل مقدماتی نه تنها پذیرفتنی است، بلکه درخور تقدیر نیز هست. اما این امتیاز، ضرورت تفکیک میان عمل مقدماتی و عمل اجرایی را از بین نمی‌برد، زیرا قاعده بر این است که عمل مقدماتی به خودی خود جرم نبوده، قابل تعقیب نیست، در حالی که عمل

اجزایی جرم محسوب می‌شود و قابل مجازات است.

۲- تفکیک عمل مقدماتی از عمل اجرایی

همان‌طور که اشاره شد تعیین ضابطه و معیار برای تشخیص عمل مقدماتی از عمل اجرایی ضروری است. زیرا اصولاً مرتکب عمل مقدماتی مسؤلیت کیفری ندارد، در صورتی که مرتکب «عمل اجرایی» تحت یکی از عناوین شروع به جرم، جرم عقیم و محال درخور مجازات است. در عین حال همیشه و در همه موارد در تفکیک آن دو، با مشکل مواجه نیستیم. گاهی اوقات عمل ارتكابی بدون تردید عمل مقدماتی و یا شروع به اجرا به حساب می‌آید. مثلاً وقتی بزه‌کار در حالی که دست خود را به قصد سرقت کیف پول به جیب کسی داخل کرده، دستگیر می‌شود، بلاشک مرتکب شروع به اجرای سرقت شده و به این اعتبار نیز مجازات می‌شود، اما اگر همین شخص در حین خرید طناب یا نردبان توقیف شود، بدون تردید این اقدام عمل مقدماتی محسوب می‌شود و نمی‌توان ادعا کرد که به قصد سرقت آن را خریداری کرده است. از طرف دیگر، موضوع همیشه به این روشنی نیست و برخی از اعمال مقدماتی قابلیت تفسیرهای متفاوت و گوناگون داشته، اعمالی هستند مبهم و غامض^{۱۲} و به صورت مؤکد و دقیق بازگوکننده نیت مجرمانه نیستند، مثلاً خرید سلاح می‌تواند به انحاء گوناگون تفسیر و تعبیر شود. این عمل ممکن است به قصد ارتکاب قتل کسی یا تهدید وی و یا به منظور دفاع شخصی، صورت بگیرد. تهیه و خرید سم نیز چنین است. گاهی با هدف مسموم ساختن و قتل غیرخریداری می‌شود و گاهی ممکن است به منظور مبارزه با حشرات و آفات، مورد معامله قرار بگیرد. به همین اعتبار است که به عنوان یک قاعده، عمل مقدماتی را قابل

مجازات نمی‌دانند و مرتکب آن را فاقد مسؤولیت کیفری معرفی و اعلام می‌کنند.^{۱۳}

از آنجا که گوناگونی فعالیت آدمی و فراوانی اشکال و صور آن-ارائه تعریفی از اعمال اجرایی را همانند اعمال مقدماتی غیرممکن ساخته است، قانونگذاران در عین پرهیز از ارائه تعریف و جوه افتراق میان آن دو را نیز در قوانین مصوب بیان نکرده‌اند؛ لذا علمای حقوق جزا، براساس گرایش مورد قبول خود، هر کدام معیار خاصی را در تفکیک اعمال دوگانه مزبور، پذیرفته‌اند. برخی، از تئوری عینی یا موضوعی^{۱۴} و عدّه‌ای از نظریه ذهنی یا شخصی^{۱۵} و بعضی با جمع دو نظر، از تئوری تلفیقی الهام گرفته‌اند.

۲-۱- تئوری موضوعی یا مادی

در این دیدگاه که به اراده مرتکب تا وقتی در قابل یک عمل مجزمانه تحقق نیافته است، اعتنا نمی‌شود و عامل مهم، عمل مادی شمرده می‌شود که به واسطه مرتکب صورت پذیرفته و ضروری است که در نتیجه آن پدید آمده است. معیارهای چندی که تفاوت چشمگیری با هم ندارند، در تفکیک عمل مقدماتی از عمل اجرایی ارائه و ابراز شده است. برخی از طرفداران این تئوری می‌گویند: «عملی شروع به اجرای جرم به حساب می‌آید که داخل در تعریف قانونی عنصر مادی آن جرم باشد. به عکس، عمل مقدماتی آن است که مقدم بر اجرا صورت گرفته و با قصد تسهیل عمل اجرایی انجام یابد»^{۱۶}.

برخی دیگر گفته‌اند: «کار مقدماتی وارد در تعریف قانونی جرم شروع شده نیست. در صورتی که شروع به اجرای جرم، جزء تعریف قانونی جرم است به صورت عنصر مشکله و یا کیفیت مشدده»^{۱۷}.

چنانچه در تفکیک عمل مقدماتی از عمل اجرایی، معیاری که در تعاریف مشابه مذکور عنوان شده است، مورد استفاده قرار بگیرد، یک ضابطه سهل و آسان در اختیار قاضی قرار می‌دهد؛ زیرا جز مراجعه به نص قانونی مربوط، اقدام دیگری لازم نیست. مثلاً در ماده ۱۹۷ ق.م.ا، سرقت، «ربایش پنهان مال دیگری» تعریف شده است. یا از ماده ۲۰۶ ق.م.ا، چنین فهمیده می‌شود که قتل عمد عبارت از «سلب حیات از دیگری» است. براساس ضابطه یاد شده، شروع به قتل پدید نخواهد آمد، مگر زمانی که مجرم در عمل، به حیات دیگری تعدی و تجاوز کند و شروع به سرقت زمانی مصداق پیدا می‌کند که مرتکب به عمل ربایش مبادرت ورزد. به این ترتیب کلیه اقدامات و عملیات مقدم بر این مرحله هر چند که به خوبی نیت مجرمانه مرتکب را بازگو کنند، جزو اعمال مقدماتی محسوب خواهند شد.

یکی از ایرادهای این دیدگاه در این نکته است که حقوق و منافع متهم را به نحو کامل و افراط آمیز مورد حمایت قرار می‌دهد، اما چتر حمایتی خود را به صورت کامل بر روی حقوق و منافع جامعه باز نمی‌کند.^{۱۸}

۲-۲- تئوری ذهنی یا شخصی

این تئوری به قصد بزهکارانه مجرم توجه دارد و برای عمل ارتكابی وی ارزش و اعتبار زیادی قائل نیست؛ به عبارت دیگر از دیدگاه تئوری موصوف، «عمل اجرایی» آن است که: «اراده مجرمانه قطعی و محقق مرتکب» را نشان می‌دهد.^{۱۹}

طرفداران این نظریه هر کدام معیار خاصی را برای احراز «قصد مجرمانه» پیشنهاد کرده‌اند. برخی در مقام بیان این که چه عملی می‌تواند شروع

به اجرا محسوب شود، گفته‌اند: «عملی که به اندازه‌ای نزدیک جرم است که می‌توان گفت بزهکار با آن بازگشت را به روی خود قفل زده و خطرات آن را پذیرفته است.»^{۲۰} یا «عملی که به وسیله آن مجرم به مرحله اجرای جرم گام می‌گذارد؛ به نحوی که می‌توان گفت: کشتی‌های پشت سرش را آتش زده و قدم قاطع خود را به طرف جرم برداشته و با این اقدام حقوق دیگری را زیر پا گذاشته است.»^{۲۱} به تعبیر دیگر: «شروع به اجرا وقتی تحقق می‌یابد که اعمال ارتكابی مرتکب تا حین دستگیر شدنش تصمیم خلل‌ناپذیر او را در ارتكاب جرم به منصفه ثبوت گذارد؛ به عبارت اخیری وقتی فاصله اخلاقی موجود بین عمل بدی که مرتکب شده و هدفی را که در نظر گرفته است به قدر کم باشد که اگر او را آزاد بگذارند، مطمئناً آن فاصله را پیماید»^{۲۲}.

صاحب‌نظر دیگری در این زمینه ملاکی را ارائه می‌دهد که به نظر می‌رسد نسبت به معیارهای دیگر پذیرفتنی‌تر باشد، به این بیان که: «مرتکب شروع به جرم ممکن است با خود بگوید: (می‌خواهم ادامه ندهم Je Veax Cesser) و مرتکب اعمال مقدماتی بگوید: (نمی‌خواهم شروع کنم Je neveux pas Commencer)»^{۲۳}.

تئوری ذهنی نیز مانند تئوری موضوعی از انتقاد مصون نمانده است. اینکه در برخی از معیارها آمده است: «یک گام کوتاه تا جرم باقی نمانده باشد» یا «فاصله اخلاقی ضعیف وجود داشته باشد»، اصطلاحاتی مبهم هستند که چه بسا حق دفاع متهم را در معرض مخاطره قرار دهند. به علاوه متهم با همان اعمال مقدماتی مانند خرید سیم و اسلحه نیز، ممکن است: «پلهای پشت سرش را خراب کرده باشد» و حال آنکه عمل مقدماتی قابل مجازات نیست. این مشکل باعث ایجاد تئوری دیگری شده است که تلفیقی از تئوریهای موضوعی و ذهنی

است. برخی از علمای حقوق جزا از این تئوری با عنوان «تئوری جدید» یاد کرده‌اند.^{۲۴}

۲-۳- تئوری تلفیقی

به عقیده پیروان این تئوری و در رأس آنها گارو، نمی‌توان میان جنبه‌های مادی و ذهنی موضوع فاصله انداخت، بلکه باید هم فعل و هم قصد و غرض مرتکب را ملحوظ نظر قرار داد. زیرا فعل ارتكابی و قصد مرتکب دورکن غیرقابل انفکاک از ارکان مجازات به شمار می‌آیند و هر یک در کشف و ایضاح دیگری، ایفای نقش می‌کنند. آنچه در تعیین شروع به جرم به عنوان گام نخستین برای قاضی ضرورت دارد، این است که مشخص کند اولاً مرتکب، قصد ارتکاب چه جرمی داشته است؛ ثانیاً عمل ارتكابی شروع به اجرای جرم مورد نظر محسوب می‌شود یا خیر؟^{۲۵} به بیان دیگر «هرگاه اعمال انجام یافته قابل حمل بر اغراض و مقاصد متعدده باشد، شروع محسوب نمی‌شود. لیکن هرگاه جز انجام جنایت مورد نظر بر مقاصد دیگری قابل انطباق نباشد، چنین عملی شروع به اجرا بوده و قابل تعقیب است.»^{۲۶} به این ترتیب در هر مورد باید محرز شود که قصد مرتکب، ارتکاب چه جرمی بوده است و اینکه آیا مجموعه اعمال ارتكابی به طور روشن توجّه اراده مجرمانه مرتکب به سمت و سوی جرم مزبور را نشان می‌دهد یا خیر.

۳- اصل غیرقابل مجازات بودن عمل مقدماتی

همچنان که راجع به مرحله تصویر جرم و تصمیم بر ارتکاب آن گفتیم، مرحله تهیّه مقدمات یا اعمال مقدماتی فاقد عنوان مجرمانه است. این

موضوع در نظام‌های جزایی اغلب کشورها به عنوان یک قاعده و اصل مورد قبول واقع شده است. ۲۷ تبصره ۱ ذیل ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی نیز از همین قاعده پیروی کرده و عملیات و اقداماتی را که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته است، شروع به جرم ندانسته و از این حیث غیرقابل مجازات اعلام کرده است. در عین حال اصل یاد شده در مواردی با استثناء مواجه گردیده است؛ بدین معنی که در برخی موارد، قانونگذاران، عمل مقدماتی را جرم و مرتکب آن را شایسته مجازات معرفی کرده‌اند. گاهی عمل مقدماتی صرف نظر از ارتباط آن با عمل مجرمانه‌ای که مورد نظر مرتکب بوده است، به عنوان یک جرم مستقل، درخور کیفر اعلام می‌شود. علت این امر آن است که برخی از اعمال مقدماتی ذاتاً و یا به اعتبار وضعیت افرادی که آنها را تدارک می‌بینند موجب اختلال در امنیت یا نظم اجتماعی می‌شوند و به لحاظ خطری که جامعه را تهدید می‌کند به عنوان جرم خاص مشمول کیفر قرار می‌گیرند. بعضی از نویسندگان حقوق جزا از این قبیل جرایم با عنوان «جرایم مانع»^{۲۸} یاد کرده‌اند که هدفشان جلوگیری از وقوع جرایم خطرناک است^{۲۹} مثلاً در ماده ۶۱۰ ق.م.ا. برای فراهم کردن وسایل ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ۲ تا ۵ سال مجازات حبس پیش‌بینی شده است. همچنین در ماده ۶۱۱ از همان قانون برای تدارک مقدمات اجرایی اقدام علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم از ۶ ماه تا ۳ سال مجازات حبس مقرر گردیده است. از همین قبیل است تغییر دادن حد فاصل املاک موضوع ماده ۶۹۰ و حتک حرمت منازل موضوع ماده ۶۹۴ از قانون موصوف. در دو ماده یاد شده تغییر دادن حد فاصل املاک و یا ورود به منزل غیر، به مثابه مقدمه برای ارتکاب جرم بعدی تلقی شده است که صرف نظر از ارتباط آنها بنا بر جرم مورد نظر

(ذی‌المقدمه) به عنوان یک جرم مستقل، قابل مجازات شناخته شده‌اند. تهیه کلید به منظور سرقت نیز از همین موارد است؛ ماده ۶۶۴ در این زمینه مقرر می‌دارد: «هر کس عالمأ، عامداً، برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا... به حبس از ۳ ماه تا یک سال... محکوم خواهد شد.»

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که اعمال مقدماتی ممکن است واجد دو وصف باشند، به خودی خود و با عنایت به خطرناکی‌شان جرایم خاص محسوب شوند و یا به جهت ارتباطشان با جرایمی که به منظور تسهیل ارتکاب آنها صورت می‌گیرند، عمل مقدماتی به شمار آیند. علی‌ای‌حال قابل مجازات بودن این اعمال به لحاظ خصیصه نخستین است، نه به جهت عمل مقدماتی بودن.^{۳۰}

۴- انعکاس اصل غیرقابل مجازات بودن عمل مقدماتی در قانون مجازات اسلامی

مقنن در تبصره ۱ ذیل ماده ۴۱ تصریح کرده است به اینکه: «مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته است، شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست.» توجه به عباراتی که در این تبصره به کار رفته است، مبین آن است که:

اولاً: مقنن ایران به عنوان یک اصل و قاعده عمل مقدماتی را قابل مجازات نمی‌داند.

ثانیاً: ممکن است همین عمل مقدماتی تحت عنوان مستقل دیگری درخور مجازات بوده باشد. قید «از این حیث قابل مجازات نیست» که در آخرین قسمت این تبصره آمده است حامل این مفهوم است.

در عین حال به موجب ماده ۶۶۴ ق.م.ا. «هر کس عالماً و عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید، یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتکاب جرم بسازد یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» این ماده که در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۱ سابقه نداشت و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ - بخش تعزیرات - پیش‌بینی گردیده، جانشین ماده ۲۳۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ است. ماده ۲۳۲ مقرر می‌داشت: «هر کس عالماً و عامداً برای ارتکاب جرمی کلیدی نظیر کلید دیگری بسازد یا کلید را تبدیل دهد که به قفل دیگری بخورد یا هر نوع آلتی برای ارتکاب جرم بسازد یا تهیه کند به حبس تأدیبی از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»^{۳۱}

وقتی احکام تبصره ۱ ذیل ماده ۴۱ و قسمت اخیر ماده ۶۶۴ در کنار هم قرار می‌گیرند، در بادی امر به نظر می‌رسد که مقنن جمهوری اسلامی ایران برابر ماده اخیر قاعده‌ای وضع کرده باشد که با اصل مذکور در بند ۱ ماده ۴۱ ق.م.ا. متغایر است. زیرا در ماده ۶۶۴ «تهیه و ساخت هر نوع وسیله برای ارتکاب جرم» را شایسته مجازات دانسته است. این شبهه درباره مقررات جاری قبل از انقلاب اسلامی ایران هم وجود داشت؛ چه آنکه در ماده ۲۳۲ ق.م.ع سابق، «ساختن و تهیه هر نوع آلتی برای ارتکاب جرم» جرم و قابل مجازات معرفی شده بود.

لازم به توضیح است که حکم پیش‌بینی شده در صدر ماده ۶۶۴ ق.م.ا. ناظر به جرم دانستن ساخت کلید، مشکلی ایجاد نمی‌کند. زیرا قبلاً یادآوری کردیم که پاره‌ای از اعمال مقدماتی به لحاظ اینکه ذاتاً خطرناک و مقدمه‌ای برای ارتکاب جرم بزرگتر هستند، ممکن است به خودی خود و مستقلاً

جرم و قابل مجازات اعلام شوند. در خور. کیفر بودن آنها نه از جهت عمل مقدماتی بودن، بلکه به اعتبار جرم خاص بودن آنها است و قابل مجازات بودن ساخت کلید و یا تغییر آن از نوع یاد شده است. سؤال اصلی که در ارتباط با حکم قسمت اخیر ماده ۶۶۴ مطرح می‌شود، این است که آیا این ماده تمامی اعمال مقدماتی را جرم و قابل مجازات معرفی می‌کند و از این حیث آن اعمال با اعمال اجرایی هیچ تفاوتی ندارند؟ در این صورت حکم پیش‌بینی شده در تبصره ۱ ذیل ماده ۴۱ ق.م.ا، که اعمال مقدماتی را غیر قابل تعقیب و مجازات می‌داند چه تکلیفی خواهد داشت؟ آیا مقنن با تصویب ماده ۶۶۴ که مؤخر بر تبصره ۱ ذیل ماده ۴۱ ق.م.ا است از موضع قبلی خود مبنی بر: «غیر قابل مجازات دانستن اعمال مقدماتی» عدول کرده است و در حال حاضر عمل مقدماتی را قابل مجازات می‌داند؟

می‌دانیم که در غیر قابل مجازات بودن اعمال مقدماتی، به عکس اعمال اجرایی، از طرف صاحب‌نظران جزایی دلایل و توجیهاات قابل قبول و درخور اعتنا ارائه و ابراز گردیده است که اگر ماده ۶۶۴ در این قسمت با تبصره ۱ ذیل ماده ۴۱ معارض باشد، ناچار باید از همه آنها دست برداشت. از جمله اینکه: اعمال مقدماتی مبهم و غامض^{۳۲} و درخور تفسیر و تعبیرهای گوناگون‌اند؛ مانند خرید سلاح یا ماده سمی که ممکن است به قصد ارتکاب قتل یا به منظور استفاده مشروع و قانونی خریداری شده باشند. به همین اعتبار هم نمی‌توان به وضوح از عمل مقدماتی نیت و قصد مجرمانه مرتکب را به دست آورد. به علاوه از عمل مقدماتی هیچ ضرری پدید نمی‌آید، مگر زمانی که فاعل بر قصد خود استوار مانده و آن را به منصه ظهور برساند. همچنین سیاست جنایی معقول نیز اقتضا می‌کند که عمل مقدماتی غیر قابل تعقیب فرض شود؛ زیرا

فاصله اعمال مقدماتی جرم با ارتکاب آن بسیار زیاد است و احتمال پشیمانی مرتکب و انصراف از ارتکاب جرم بعید به نظر نمی‌رسد. فی الواقع عدم مجازات و تعقیب مرتکب در این مرحله، موجب تشویق وی به انصراف از ادامه قصد خود و در نهایت حفظ حقوق جامعه می‌گردد و اگر مرتکب بداند که به اعتبار تهیة مقدمات جرم نیز کیفر خواهد دید، ترجیح می‌دهد، جرم مورد نظر خود را انجام دهد تا حداقل از لذات و منافع احتمالی آن محروم نگردد.^{۳۳}

آیا علی‌رغم این همه مبانی قابل قبول در غیرقابل مجازات بودن اعمال مقدماتی، می‌توان پذیرفت که برابر ماده ۶۶۴ ق.م.ا، مقنن از موضع قبلی خود عدول کرده است؟ آیا فی الواقع ماده یاد شده با تبصره ۱ ذیل ماده ۴۱ در تعارض و تهافت است؟ و اگر چنین است، راه حل چیست؟

در صورتی که تعارض را مفروض بدانیم، یک راه حل این است که بگوییم: حکم پیش‌بینی شده در تبصره یک ذیل ماده ۴۱ به عنوان یک قاعده کلی به اعتبار خود باقی است و ماده ۶۶۴ (از آنجا که زیر عنوان فصل بیست و یک قانون مجازات اسلامی - تعزیرات - که ناظر به احکام سرقت و ربودن مال غیر است، قرار گرفته) درباره جرم سرقت قاعده ویژه‌ای وضع کرده است که منحصر به همین مورد می‌باشد و در موارد دیگر کاربرد ندارد؛ به عبارت دیگر، برابر این ماده، تدارک و تهیة هر نوع وسیله برای ارتکاب جرم «سرقت»، عیناً مانند شروع به عملیات اجرایی آن درخور تعقیب و قابل مجازات است و فقط مقنن در خصوص این بزه از موضع قبلی خود عدول کرده است و خطرات ناشی از جرم سرقت و اضطراب و آشفتگی اجتماعی که در پی وقوع آن ایجاد می‌شود، او را وادار کرده است تا اعمال مقدماتی این جرم را نیز درخور کیفر معرفی کند، اما درباره جرایم دیگر به حکم قاعده مذکور در تبصره ۱ ذیل ماده

۴۱، چنانکه اعمال ارتكابی، عمل مقدماتی به شمار آیند، مرتكب قابل تعقیب نبوده مسؤلیت کیفری نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد که اصولاً میان احکام این تبصره و ماده ۶۶۴ ق.م.ا، تغایر و تهافت وجود نداشته باشد؛ زیرا بعید است که مقنن ضمن یک مجموعه قانونی در خصوص موضوع واحد احکامی وضع و پیش‌بینی کند که با همدیگر در تعارض باشند و در فرض وجود چنین احتمالی باید آن احکام به گونه‌ای تفسیر شوند که تعارض احتمالی از میان برود و از احکام ظاهراً متعارض، استنباط واحد و یکسان به عمل آید.

این تعارض ظاهری با توجه به عبارات و کلمات به کار رفته در دو ماده قانونی، منتفی است. در تبصره ۱ ذیل ماده ۴۱ آمده است: «... و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشند شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیستند»^{۳۴} و در ماده ۶۶۴ آمده است: «... یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتكاب جرم بسازد، یا تهیه کند، به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» از منطوق تبصره ذیل ماده ۴۱ برمی‌آید که از میان اعمال مقدماتی، آنهایی که «منحصراً مقدمه جرم به حساب آمده و با وقوع جرم ارتباط مستقیم نداشته باشند»، از این حیث قابل مجازات نیستند. این ماده قطعاً دارای مفهوم مخالف است؛ به این شرح که «اگر اعمال مقدماتی با وقوع جرم ارتباط مستقیم داشته باشند، شروع به جرم محسوب و به این اعتبار قابل مجازات خواهند بود.» این ماده ویژگی «ارتباط مستقیم با وقوع جرم داشتن» عمل مقدماتی را به عنوان یک ملاک و معیار در اختیار ما قرار می‌دهد تا به کمک آن قابل مجازات بودن عمل مقدماتی و یا عدم آن را تشخیص دهیم؛ چنانکه آن عمل با جرم مورد نظر ارتباط مستقیم داشته

باشد، قابل مجازات است و الا از این حیث و به این اعتبار غیر قابل مجازات خواهد بود. به این ترتیب شاید بتوان ادعا کرد که مقنن اسلامی در متابعت از قانون جزای اصلاحی سال ۱۳۵۲ در این مورد خواسته یا ناخواسته از فرضیه و تئوری ذهنی یا حداقل تئوری بنیابین و یا تلفیقی سود جسته است^{۳۵}.

ویژگی مورد بحث، یعنی: «ارتباط مستقیم عمل مقدماتی با وقوع جرم» با عبارت و بیان دیگر در ماده ۶۶۴ ق.م.ا، مورد تأکید و تأیید مجدد قرار گرفته است. در این ماده عبارت «برای ارتکاب جرم» حاکی از آن است که تهیه یا ساخت وسیله که جزو اعمال مقدماتی محسوب می شود، اگر با جرم مورد نظر ارتباط مستقیم داشته باشد مشمول حکم این ماده قرار خواهد گرفت و الا از دایره مجازات بیرون خواهد ماند. به عبارت دیگر قید «برای ارتکاب جرم» در ماده مزبور تفهیم می کند که عمل مقدماتی موضوع این ماده، دیگر آن خصیصه غموض و پیچیدگی را نندازد؛ تفسیر و تعبیر دیگری را نمی پذیرد و با جرم مورد نظر ارتباط وثیق و مستقیم دارد و برای ارتکاب آن تدارک دیده شده است. به این ترتیب ملاحظه می شود که هیچ گونه تعارضی میان احکام ماده مزبور وجود ندارد و مقنن فعلی ایران مانند گذشته و بسان اغلب قانونگذاران کیفری دنیا، عمل مقدماتی جرم را غیر قابل مجازات می داند.

۵- نتیجه گیری

قانونگذار ایران مانند بسیاری از قانونگذاران عمل مقدماتی را تعریف نکرده و وجود افتراق اعمال مقدماتی از اعمال اجرایی را بازگو ننموده است و این اقدام نه تنها قابل ملامت نیست، بلکه به لحاظ مشکلات ناشی از وجود تعریف قانونی درخوژ تقدیر نیز هست.

سکوت تحسین برانگیز مقنن در این باره به معنای آن نیست که موضع او در باره قابل مجازات بودن اعمال مقدماتی یا عدم آن در هاله ابهام فرو رفته باشد، بلکه به عنوان یک اصل و قاعده کلی آن اعمال را بجز در موارد استثنایی غیر قابل مجازات می داند و تبصره یک ذیل ماده ۴۱ ق.م.ا، در مقام بیان این اصل مقرر می دارد: «مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست.» همچنین دیدیم که قسمت اخیر ماده ۶۶۴ ق.م.ا، نه تنها با تبصره مزبور معارض نیست بلکه فی الواقع تکرار دوباره اصل یاد شده است. برابر این ماده تدارک و ساخت هر نوع وسیله برای ارتکاب جرم، زمانی عنوان مجرمانه خواهد داشت که با جرم ارتباط مستقیم داشته باشد. از آنجا که برای تشخیص «ارتباط مستقیم عمل مقدماتی با جرم مورد نظر»^{۳۶} و یا «تدارک عمل مقدماتی برای جرم»^{۳۷} ضابطه عینی و مادی وجود ندارد و قاعده و معیار مشخصی نمی توان ارایه نمود، این امر فقط با معیار نفسانی و درونی مجرم قابل دسترسی است.^{۳۸} وضعیت نفسانی و قصد مجرمانه نیز یا از اقرار مرتکب به دست می آید و یا اوضاع و احوال حاکم بر قضیه به گونه ای است که این استنباط را سهل و آسان می سازد.

پی‌نوشتها

۱- Letter Criminis : رک:

Jean Pradel & André Varinard les Grands arrêts de droit criminel, tome I, 2^e édition 1997, Paris, Dalloz, p, 375.

۲- فریدالزغبی، الموسوعة الجزائیة، جلد دوّم، چاپ سوّم، بیروت دار صادر للطباعة و النشر، ۱۹۹۵، ص ۱۶۹.

۳- از این مرحله یک استاد حقوق جزا با عنوان جرم مقدّماتی (Délit préparatoire) یاد می‌کند. همان، ص ۱۷۰.

۴- عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنایی، جلد اوّل، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۵۳، ص ۱۱۳.

۵- همان، ص ۱۱۳.

۶- جنّدی عبدالمملک، الموسوعة الجنائیة، جلد چهارم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۴۰۷.

۷- استفانی، لواسور، بلوک، حقوق جزای عمومی، جلد اوّل، مترجم: حسن

دادبان، چاپ اوّل، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷،

ص ۳۲۴. عبدالحسین علی‌آبادی، پیشین، ص ۱۱۳، جنّدی عبدالمملک،

پیشین، ص ۴۰۸ و ۴۰۹، محمود نجیب حسنی، شرح القانون العقوبات اللبّانی

القسم العام، جلد اوّل، بیروت، دار النهضة العربیة، ۱۹۸۴، ص ۳۴۳.

۸- عبدالحسین علی‌آبادی، پیشین، ص ۱۱۵.

۹- جنّدی عبدالمملک، پیشین، ص ۴۰۹.

۱۰- محمود نجیب حسنی، پیشین، ص ۳۴۳.

۱۱- برای مطالعه بیشتر، رک: مصطفی عوجی، القانون الجنائی العام، جلد اول، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه نوفل، ۱۹۸۸، ص ۵۲۵ به بعد. ژان کلود سوایر حقوق جنایی، چاپ نهم، پاریس ۱۹۹۴، ص ۸۰. ژان پرادل و آندره وارینارد، پیشین، ص ۳۷۸.

12- Eguivoguc:

۱۳- نگاه کنید: جندی عبدالملک، پیشین، ص ۴۱۱. محمود نجیب حسنی، پیشین، ص ۳۴۳. عبدالحسین علی آبادی، پیشین، ص ۱۱۷. مرتضی محسنی، دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی) جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵، ص ۱۵۶. حسن دادبان، پیشین، ص ۳۲۴.

14- Doctrine objective.

15- Doctrine subjective.

۱۶- Molinior، جلد ۲ شماره ۵۹ به نقل از: جندی عبدالملک پیشین، ص ۴۱۳.

۱۷- حسن دادبان، پیشین، ص ۳۲۴، شماره ۲۳۶.

۱۸- برای مطالعه تفصیلی نگاه کنید: همان ص ۳۲۴. جندی عبدالملک پیشین، شماره ۱۱، ص ۴۱۳. محمود نجیب حسنی، پیشین، ص ۳۴۵. عبدالحسین علی آبادی، پیشین، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۱۹- جندی عبدالملک، پیشین، ص ۴۱۴. حسن دادبان، پیشین، ص ۳۲۵.

۲۰- مزل، ویتو، شماره ۹۷، ص ۱۵. به نقل از: محمود نجیب حسنی، پیشین، ص ۳۴۷.

- ۲۱- همان، ص ۳۴۷. مرتضی محسنی: پیشین، ص ۱۷۴.
- ۲۲- Donnedieu de Vabres شماره ۲۳۱، ص ۱۳۴. به نقل از محمود نجیب حسنی، پیشین، ص ۲۴۸. همچنین عبدالحسین علی آبادی، پیشین، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.
- ۲۳- Rossi، جلد ۲، ص ۲۸. به نقل از جندی عبدالملک، پیشین، ص ۴۱۴.
- ۲۴- مرتضی محسنی، پیشین، ص ۱۷۵.
- ۲۵- جندی عبدالملک، پیشین، شماره ۱۳، ص ۴۱۴. ژان پرادل و آندره وارنارد، پیشین، ص ۳۷۱.
- ۲۶- مرتضی محسنی، پیشین، ص ۱۷۵.
- ۲۷- ماده ۴۵ قانون مجازات مصر متضمن همین اصل است؛ در این زمینه نگاه کنید: حسن دادبان، پیشین، ص ۳۲۴. محمود نجیب حسنی: پیشین، ص ۳۴۳. مرتضی محسنی، پیشین، ص ۱۵۶. عبدالحسین علی آبادی، پیشین، ص ۱۱۶. فرید الزغبی، پیشین، ص ۱۷۱. مصطفی عوجی، پیشین، ص ۵۲۵.
- 28- Délits d'obstacles.
- ۲۹- مرتضی محسنی، پیشین، ص ۱۵۷. مصطفی عوجی، پیشین، ص ۴۱۳ به بعد.
- ۳۰- در قانون مجازات مصر ماده ۳۲۴ در باره تهیه کلید و ۳۶۹ به بعد در هتک حرمت منازل و ماده ۳۶۳ در باره تهیه مواد آتش‌زا، در قانون مجازات سوریه ماده ۶۰۰ در باره ولگردی و ۵۹۶ در باره تکدی، از همین قبیل اند.
- ۳۱- ماده ۳۲۴ قانون مجازات مصر در همین زمینه حکمی شبیه قانون مجازات اسلامی ایران دارد. در این ماده آمده است: «كُلُّ مَنْ قَلَّدَ مَفَاتِيحَ أَوْ غَيْرَ فِيهَا أَوْ

صَنَعَ آلَةً مَا مَعَ تَوَقُّعِ اسْتِعْمَالِ ذَلِكَ فِي ارتكَابِ جَرِيمَةٍ، يُعَاقَبُ بِالْحَبْسِ مَعَ الشُّغْلِ مُدَّةً لَا تَزِيدُ عَلَى سَنَتَيْنِ أَمَا إِذَا كَانَ الْجَانِي مُحْتَرَفًا صِنَاعَةً عَمَلِ الْمَفَاتِيحِ وَالْأَقْفَالِ فَيُعَاقَبُ بِالْحَبْسِ مَعَ الشُّغْلِ»؛ یعنی: «هرکس کلیدهای تقلیدی بسازد یا در آنها تغییر دهد یا به قصد استفاده در ارتکاب جرمی، ابزار و وسیله‌ای بسازد، به مجازات حبس با اعمال شاقه که بیشتر از دو سال نخواهد بود، محکوم می‌شود و اگر بزهکار، ساختن کلید و قفل‌های تقلیدی را حرفه خود قرار دهد به حبس با اعمال شاقه محکومیت خواهد یافت.» به نقل از: احمد حسری، السياسة الجزائية، جلد اول، چاپ اول، بیروت، دارالجيل، ۱۹۹۳، ص ۵۷۸. نویسنده یاد شده متن کامل قانون مجازات مصر را در آخر همین جلد آورده است.

32- Eguivoguc.

۳۳- برای مطالعه و بررسی بیشتر در این زمینه، رک: عبدالحسین علی‌آبادی، پیشین، ص ۱۱۶. محمود نجیب حسنی، پیشین، ص ۳۴۳. جندی عبدالملک، پیشین، ص ۴۱۱. مرتضی محسنی، پیشین، ص ۱۷۲ به بعد. حسن دادبان، پیشین، ص ۳۲۰ به بعد.

۳۴- در ماده ۲۱ قانون مجازات عمومی سابق پیش‌بینی شده بود که: «مجرد قصد ارتکاب جرم یا تهیة بعضی مقدمات جزئیة آن شروع محسوب نمی‌شود.» این ماده در اصلاحات سال ۵۲ به گونه‌ای تنظیم یافت که عیناً در تبصره ۱ ذیل ماده ۴۱ انعکاس یافته است.

۳۵- مرتضی محسنی، پیشین، ص ۱۸۱.

۳۶- آن گونه که در تبصره ذیل ماده ۴۱ پیش‌بینی شده است.

۳۷- آن گونه که در ماده ۶۶۴ ق.م.ا.م.ا مقرر شده است.

۳۸- ژان پرادل و آندره وارینارد در منبع پیشین آورده‌اند: در اکثر موارد، قصد که همیشه لازم است، از بدیهی بودن اعمال ارتكابی حاصل می‌شود و به عقیده اکثر مؤلفان، دیوان عالی کشور (فزانسه) در برآورد این قصد به مفهوم فعل بدیهی و روشن ارجاع می‌دهد (ص ۳۷۵) «پس قصد می‌تواند احراز شود زمانی که مجرم از آرائیه یک توجیه موجه از عمل خود عاجز باشد، (ص ۳۷۷). شناسایی قصد می‌تواند احراز شود از یک اقرار، نه تنها برای تعیین نوع جرم ارتكابی (تردید در سرقت اتومبیل و یا اشیای داخل آن) بلکه حتی برای استقرار وجود شروع به جرم ص ۳۷۸».

منابع و مأخذ

الف: کتب

- استفانی، لواسور، بلوک: حقوق جزای عمومی، مترجم حسن دادبان، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
- بازگیر، یدالله: علل نقض آرای کیفری در شعب دیوان عالی کشور، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵.
- جندی، عبدالملک: الموسوعة الجنائیة، جلد ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- حصری، احمد: السیاسة الجنائیة فی الفقه العقوبات الاسلامی، جلد اول، چاپ اول، بیروت، دارالجمیل، ۱۹۹۳.
- زغبی، فرید: الموسوعة الجنائیة، جلد دوم، چاپ سوم، بیروت، دار صادر للطباعة والنشر، ۱۹۹۵.
- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنائی، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۳.
- عوجی، مصطفی: القانون الجنائی العام، جلد اول، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه نوفل، بی تا.
- عوده، عبدالقادر: التشریح الجنائی مقارناً للقانون الوضعی، جلد اول، چاپ چهاردهم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۹۷.
- محسنی، مرتضی: دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)، جلد دوم، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵.

- نجیب حسنی، محمود: شرح القانون العقوبات اللبناني - القسم العام - جلد اول، بیروت، دار النهضة العربية، ۱۹۸۴.

- Jean Pradel et Andre' Varinard: les Grands arre'ts du droit criminel, tome 1, 2'editio, Paris Dalloz, 1993.

- Jean-Claude Soyser: Droit penal général, 9' édition paris, cujas, 1994.

ب: قوانین:

- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴.

- قانون مجازات اصلاحی مصوب ۱۳۵۲.

- قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱.

- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵.

- قانون مجازات مصوب ۱۹۴۹ سوریه.

- قانون مجازات مصوب ۱۹۷۳ مصر.

- قانون مجازات مصوب ۱۹۹۲ فرانسه: